

## اخلاق ترجمه و هوشمندی مترجم

ترجمه رضی خدادادی

مطلبی که از نظرتان می‌گذرد، گزیده‌ای از کتاب "مترجم شدن"<sup>۱</sup> نوشته داگلاس رابینسون است که قرار است به‌زودی توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شود.

اخلاق: اخلاق حرفه‌ای ترجمه تاکنون تعریف محدودی داشته است، این تعریف در این حکم خلاصه می‌شود که تحریف معنای متن مبدأکاری غیر اخلاقی است. این برداشت از اخلاق مترجمی حتی با واقعیت کار ترجمه نیز چندان سازگار نیست چه در بسیاری از موارد صراحتاً از مترجم خواسته می‌شود معنا و مفهوم متن مبدأ را به طرق خاصی "تحریف" کند. اقتباس متون برای تلویزیون، کتابهای کودکان و یا کارهای تبلیغاتی از آن جمله است.

از دیدگاه شخصی، اخلاق در ترجمه از این نیز پیچیده‌تر است. مثلاً اگر از مترجمی بخواهند مطلبی را که در نظر او زشت و ناخوشایند است ترجمه کند چه باید بکند؟ یا به عبارت دیگر، وقتی اخلاق حرفه‌ای (وفاداری به کسی که اجرت ترجمه را می‌پردازد) با اخلاق شخصی (اعتقادات سیاسی و وجدان مترجم) تضاد پیدا می‌کند تکلیف او چیست؟ وقتی از مترجمی هوادار حقوق زنان<sup>۲</sup> می‌خواهند متنی خلاف عفت را ترجمه کند چه واکنشی باید از خود نشان دهد؟ مترجم لیبرالی که از وی خواسته می‌شود متنی از نوشته‌های جنبش نونازی<sup>۳</sup> را برگرداند چه باید بکند؟ تکلیف آن مترجم طرفدار محیط زیست که یک شرکت شیمیایی بی‌توجه به محیط زیست از وی می‌خواهد کار تبلیغاتی‌اش را ترجمه کند چیست؟

تا زمانی که از دیدگاهی حرفه‌ای (و نه از دیدگاهی شخصی)، درباره ترجمه می‌اندیشیم، این سؤالات موضوعیت ندارد. اینها سؤالاتی است که نه کسی تا به حال پرسیده و نه در واقع پرسیدنی است چرا که مترجم متنی را باید ترجمه کند که از او می‌خواهند آن هم به صورتی که احتیاج استفاده‌کننده را مرتفع کند. مترجم به‌طور کلی باید درباره عمل ترجمه فاقد هر نوع نظر شخصی باشد. با این همه، از دیدگاه شخصی این سؤالات باید پرسیده شود. مگر نه اینکه مترجمان نیز انسانند و دارای فکر و عقیده و طرز نگرش و احساس خاص خود هستند؟ مترجمانی که پیوسته با این تقاضا روبرویند که متونی را ترجمه کنند که از نظر خودشان مغایر با موازین اخلاقی است، شاید بتوانند چند

۱- مشخصات کتاب از این قرار است: Robinson, Douglas (1997). *Becoming a Translator*, Routledge, U.K.  
 2- feminist  
 3- neo-Nazi

هفته یا چند ماه و احتمالاً چند سالی احساس انزجار خود را سرکوب کنند اما قادر نخواهند بود برای همیشه بر این احساس نامطبوع سرپوش بگذارند. مترجمان هم مانند سایر افراد حرفه‌ای دوست دارند به کار خود افتخار کنند و در صورتی که بین دیدگاه شخصی آنان و دیدگاه حرفه‌ای مبتنی بر معیارهای بیرونی تضادی جدی پدید آید تا بدانجا که عزت حرفه ایشان به خطر بیفتد، در نهایت ناگزیر خواهند بود در مورد محل و شرایط کار خویش تصمیمی جدی بگیرند.

از این روست که مترجمان بیش از پیش در جستجوی کشف راههایی هستند تا اخلاقیات خود را در مقام انسان با کار خویش در موضع مترجم سازگار کنند. برای مثال، سوزان لوتبی نیرهاروود<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) مترجم فمینیست اهل کپیک می‌گوید دیگر حاضر نیست آثار مردان را ترجمه کند زیرا نمی‌خواهد سخنگوی مردان باشد و به جرگه آنان در آید. او با ترجمه آثار ادبی زنان سعی دارد به آنان کمک کند تا در زبان مقصد نیز به خلق زبانی زن محور همت گمارند. سوزان جیل لوین<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در "کاتب ویرانگر" می‌گوید که وقتی آثار شرم‌آور آکنده از تبیض جنسی را برای ترجمه به دست می‌گیرد غالباً با موافقت و حتی با همکاری نویسندگان مرد آمریکای لاتینی این آثار جنبه‌های جنسیت سالاری<sup>۳</sup> را از بین می‌برد.

این تعریف گسترده‌تر "شخصی" از اخلاق ترجمه جای بحث فراوان دارد. برای بسیاری از مترجمان غیر قابل تصور است که کاری مغایر منافع شخص یا گروهی که حق ترجمه را می‌پردازد (اعم از "سفارش دهنده" یا "بانی کار") انجام دهند. از سوی دیگر مترجمانی هستند که به نظر آنها عجز مترجم در تصمیم‌گیری بر اساس اصول و اعتقادات اخلاقی زشت و نفرت‌انگیز است و از نظر برخی به اخلاق اِس‌ها در دادگاه نورنبرگ می‌ماند که عقیده داشتند "المأمور معذور". وقتی اخلاقیات خصوصی مترجم با منافع سفارش دهنده ترجمه در تعارض قرار می‌گیرد مترجم تا کجا می‌تواند هم به اصول اخلاقی خود پایبند بماند و هم به امرار معاش خود ادامه دهد و باز مترجم تا چه حد می‌تواند هم بر سر آن اصول مصالحه کند و هم در کار خویش سر بلند باشد؟...

هوشمندی مترجم: مترجم چگونه می‌تواند سرعت و لذت ترجمه را به حداکثر برساند بی آنکه از دقت ترجمه بکاهد؟ چگونه می‌تواند تندتر و با روحیه خوش‌تر ترجمه کند و در عین حال به کسب و حفظ شهرتی شایسته توفیق یابد.

در نگاه اول، سریع و در عین حال دقیق ترجمه کردن منافی یکدیگرند. فرض مقبول آن است که هر قدر تندتر ترجمه کنید احتمال خطای شما زیادتر می‌شود و برعکس هر اندازه آهسته‌تر ترجمه کنید دقت کارتان بیشتر خواهد بود. مترجم قابل اعتماد نباید مرتکب اشتباه (عمده) شود و به همین دلیل نباید در ترجمه شتاب کند.

اما سرعت زیاد، لااقل تا مرزی معین، در صورتی حقیقتاً قابلیت اعتماد را خدشه دار می‌سازد که

1- Susanne Lotbiniere-Harwood

2- Suzanne Jill Levine

3- sexism

درگیر ترجمه‌ای تازه یا نا آشنا باشید که خود مستلزم تمرکز و در نتیجه صرف وقت بیشتر است. کارهای "تکراری" و "آشنا" به ویژه امور عادی را می‌توان سریع و مطمئن انجام داد زیرا عادت چنین حکم می‌کند. وقتی صبح دیرتان می‌شود، دندانپایان را مسواک می‌زنید، بند کفشپایان را می‌بندید، کتتان را با عجله می‌پوشید، کیف و کلیدتان را بر می‌دارید و می‌دوید به طرف در، بعد اتومبیل را روشن می‌کنید و راه می‌افتید؛ همه این کارها را ظرف دو سه دقیقه انجام می‌دهید و چیزی را از یاد نمی‌برید؛ نه بند کفشپایان را عوضی می‌بندید و نه به جای کلید قاشق و چنگال بر می‌دارید. چرا؟ زیرا همه این امور را پیش از آنکه جسمتان بداند چه می‌کند و چه باید بکند بارها و بارها انجام داده‌اید.

میان این "حافظه جسمانی"<sup>۱</sup> و ترجمه شباهتهای مهمی وجود دارد. مترجمان با تجربه سریع‌اند زیرا آن قدر ترجمه کرده‌اند که گویی انگشتانشان ترجمه می‌کند نه "مغز"شان. اینان همین که متوجه یک ساخت آشنا در زبان مبدأ شدند انگشتانشان بلافاصله به روی صفحه کلید می‌رود و یک ساخت معادل با اجزا و ازگانی مناسب پدید می‌آورد چنان که گویی همه چیز به‌طور خودکار و بدون تفکر آگاهانه<sup>۲</sup> و تحلیل منطقی صورت می‌گیرد. مترجم حضوری همزمان<sup>۳</sup> گویی به هنگام ترجمه مطلقاً فکر نمی‌کند به نحوی که ناظر متحیر از خود می‌پرسد: مگر ممکن است کسی این قدر سریع فکر کند؟ خیر، ممکن نیست؛ واژه‌ها باید از جایی دیگر مثلاً از محدوده ناخود آگاه یا حتی بخش شهودی مغز<sup>۴</sup> که آدمهای عادی فاقد آنند به مترجم برسد.

با این حال باید این نکته را تصریح کرد که ترجمه در "عادی‌ترین" یا "ناهشیارانه‌ترین" شکل خود با مسواک زدن و بستن بند کفش یکی نیست. ترجمه همواره، حتی آنگاه که کمتر از هر زمانی آگاهانه و تحلیلی به نظر می‌آید، رفتاری هوشمندانه است. ترجمه فرایندی به غایت پیچیده و مستلزم تحلیل‌های سریع و چند لایه‌ای از حوزه‌های معنایی، ساختهای نحوی، جامعه‌شناسی و روانشناسی و اکنش خواننده یا شنونده و تفاوت‌های فرهنگی است. ترجمه مانند همه کاربردهای زبانی همواره اخلاق و همواره تازه است. حتی مترجمان کلیشه‌ای‌ترین متن‌ها از قبیل گزارش هواشناسی پیوسته با وضیتهای تازه رو به رو می‌شوند و باید از پس حل مشکلات غیر منتظره برآیند. و باز در اکثر موارد کار ترجمه از این نیز بفرنج‌تر است.

1- bodily memory

2- conscious thought

3- simultaneous interpreter

4- mystical part of the brain